

حمایت از فیلم‌سازان جوان برای ثبت تصاویر خلاقانه

ریحانه موسوی

گزارش روز

قسمت دوم ایست ونهمین هفته فیلم و عکس مشهد با نمایش آثار متفاوتی از هنرمندان فیلم ساز مشهدی به پایان رسید. این رویداد سینمایی که سالانه توسط دفاتر انجمن سینمای جوانان ایران در شهرهای مختلف برگزار می شود، فضایی غیررقابتی برای گردهمایی علاقه مندان عکس و فیلم، ارتقای کیفی این هنرها و شناسایی استعدادهای جوان فراهم می کند. در بخش فیلم، ۱۲۰ اثر به جشنواره ارسال شد و در میان شرکت کنندگان، فیلم سازانی با شصت سال سن تا نوجوانانی با سیزده سال سن حضور داشتند. آثار ارائه شده در سه حوزه پویانمایی، سینمای تجربی و سینمای داستانی طبقه بندی شدند. در نهایت، هفتاد فیلم برگزیده انتخاب و طی شش بخش دو ساعته به نمایش درآمد. روز گذشته قسمت اول این گزارش در این صفحه منتشر شد و امروز نیز قسمت دوم گفت وگوهای شهرآرا با فیلم سازان این رویداد را در این نوشتار می خوانید.

● معضل سینمای ایران کسب درآمد و استفاده از افراد خاص است

نعمت... سرگلزایی، که با فیلم «مادر» در این رویداد حضور داشت، درباره آن توضیح داد: این فیلم ۱۰۰ ثانیه ای، بخشی از مجموعه ای با عنوان «دردانه» بود که برای تلویزیون تولید می شد. در هر قسمت از این مجموعه، گفت وگویی با پدر یا مادر شهیدی انجام می شد. این پروژه در سطح کشوری اجرا می شد و شامل ده ها هزار مصاحبه به همین سبک بود. در این میان، داستان فیلم «مادر» متفاوت از سایر آثار دیده شد. برخلاف سایر مصاحبه ها که به صورت بخش های مخصوص تلویزیون تهیه و پخش می شدند، این فیلم برای تلویزیون مناسب تشخیص داده نشد، زیرا مادر در آن صحبت نمی کرد. به دلیل ضوابط بنیاد شهید، فیلم قابلیت پخش نداشت، چرا که تلویزیون چنین قالبی ندارد که بتواند حس این مادر و سکوت معنا دار او را به نمایش بگذارد. وی ادامه داد: احساس کردم که تنها فضایی که می تواند زبان سکوت این مادر شنیده شود، یک اثر هنری خاص است، نه یک کار استاندارد تلویزیونی. از همین رو، در تلاش بودم تا راهی پیدا کنم که این حس را به بهترین شکل ممکن به تصویر بکشم. هم زمانی ساخت فیلم با جشنواره فیلم ۱۰۰ باعث شد تا در ارائه آن محدودیت هایی داشته باشیم.

پس از تکمیل فیلم، متوجه شدم که بازخورد ها فراتر از انتظار مان بوده است، حتی قبل از اینکه جایزه دریافت کند. این یکی از عجیب ترین اتفاقات در زندگی من و به زعم استادان بزرگ، خاص ترین فیلم ۱۰۰ ثانیه ای کوتاه ایران بود. همچنین، فیلم میلیون ها بار در صفحات داخلی و خارجی دیده شد.

وی افزود: برخی سازمان ها با بود چه هایی که دارند شروع به ساخت فیلم می کنند. آن ها برای فیلم های خود اکران در نظر می گیرند، جشنواره را برای فیلم های خود برگزار می کنند و به دنبال تربیت کردن افراد خاص هستند. حال آنکه سینمای جوان فضای گسترده تری دارد و اتفاق جالبی که در آن رخ داده، این است که مدیران به فیلم سازانی که در این شهر فیلم ساخته اند، اهمیت داده اند. در نتیجه آثار فیلم سازان با دیدگاه های مختلف در این رویداد اکران شد.

این فیلم ساز برخی آثار حاضر در این جشنواره را از حیث خلاقیت، پرداخت و فیلم نامه ضعیف بیان کرد

و افزود: بسیاری به دنبال گروه ها و دوربین های خوب رفته بودند، اما برای یک فیلم ساز که در ابتدای کار است، ضرورتی ندارد که این گونه تجربیات سنگین مالی انجام دهد، مهم این است که دیدگاه قوی داشته باشد.

وی سینما را مانند لبه یک تیغ توصیف کرد، که یک سوی آن عشق به ساختن است و از سوی دیگر تا پخته نباشیم چیزی حاصل نمی شود. سرگلزایی مشکل عمده در عرصه فیلم سازی را آموزش دانست و تصریح کرد: افرادی که کمتر در این حوزه فعالیت داشته اند، باید بیشتر دیده شوند. آن ها دنیا را به گونه ای دیگر دیده اند و دوست دارند نگاه خود را به سینما منتقل کنند. فیلم ساز امروزی که نگاه نو و تازه ای دارد و با دانش این دوره رشد کرده است، می تواند آثار بسیار متفاوتی بسازد. اکنون در سینمای ایران فقط یا به دنبال اقتصاد و کسب درآمد هستند یا به دنبال فیلم سازانی هستند، که به نظر آن ها فیلم سازان انقلاب هستند و روزی کارنامه خوبی داشته اند و فکر می کنند تا ابد باید به آن ها کار بپردازند.

● ناگهان چقدر زود دیر می شود

سجاد آریایی، دانش آموخته انجمن سینمای جوان که هفت سال است در حوزه فیلم سازی فعالیت دارد، درباره اثر خود گفت: فیلم من «ناگهان» نام دارد؛ کاری ۱۰۰ ثانیه ای که نسبت به زمانی که برای آن صرف کردم بازخورد خوبی گرفتم. من برای فیلم «ناگهان» ۲۰۰ هزار تومان خرج کردم آن هم گرایه عینک «وی آر باکس» واقعیت مجازی بود. من بیشتر از عوامل محیطی، دوستان و اطرافیان خود برای ساخت این فیلم کمک گرفتم. وی افزود: موضوع فیلم من درباره این است که، ما چقدر زود همه چیز را از دست می دهیم و قدر آن را نمی دانیم. در خلاصه فیلم هم آمده «ناگهان چقدر زود دیر می شود.» این کار بیشتر برای قدرشناسی زمان بود، ما با پیشرفت فناوری شاهد این هستیم که در خارج از کشور ربات هایی را می سازند، که انسان نما هستند و خاطرات اطرافیان و نزدیکان را به وسیله

هوش مصنوعی کپی می کنند، اما باز هم جای آن شخصیت اصلی را نمی گیرد. من در این یک دقیقه به همین موضوع پرداخته ام؛ اینکه با پیشرفت علم و فناوری باز هم آن فقدان همیشه با ما همراه است. این فیلم ساز درباره رویداد هفته فیلم و عکس مشهد نیز بیان کرد: موضوع هفته فیلم و عکس در بخش مستند و داستان، آزاد بود و ما توانستیم آثار خود را ارسال کنیم، اما بیشتر مواقع متأسفانه با خوشبختانه بسیاری از موضوع ها برای جشنواره ها قابل تأکید است، که خلاقیت را از ما می گیرد. وی یادآور شد: من تجربیات تئوری و عملی زیادی داشتم؛ اما در طول این هفت سال جرئت انجام این کار را نداشتم و نتوانستم یک فیلم را بسازم. اگر مسیرها هموار شود بسیار بهتر خواهد بود.

● تلاش یک فیلم ساز برای شنیده شدن صدای زنان فرزانه سلیمانیان، کارگردان فیلم «مریم»، این اثر را روایتی از مشکلات یک زن معرفی کرد و گفت: این زن به چالش های زیادی می خورد، که یکی از آن ها وجود پدر بیمار ش است که باید از او مراقبت کند. مریم به نوعی خود من هستم و تقریباً زندگی خود را با یک سری تغییرات نوشته ام. نگارش فیلم نامه حدود سه ماه به طول انجامید، سه ماه هم برای پیش تولید زمان گذاشتیم، پس تولید هم پرتسه ای طولانی داشت که حدود چهار ماه زمان برد، تا بتوانیم یک فیلم خوب ارائه دهیم. وی با اشاره به اینکه افراد زیادی با این فیلم هم ذات پنداری کردند، مطرح کرد: خیل عظیم بانوان جامعه ما، نه صدایی دارند و نه دیده می شوند و در حال تلاش برای شنیده شدن و دیده شدن هستند. اما متأسفانه هنوز جامعه ما به آن سمت نرفته است. به همین دلیل، اولویی را برای فیلم اول خود به این موضوع اختصاص دادم.

سلیمانیان از چالش هایی که در مسیر کار خود با آن ها روبه رو شد گفت و درباره آن توضیح داد: به دلیل اینکه اولین کار من بود و سرمایه گذار نداشتم، چالش مالی برایم اذیت کننده بود. از سوی دیگر مجبور بودم با یک



نمایی از پشت صحنه فیلم کوتاه «مادر»

سری افراد تازه فعالیت خود را پیش ببرم. وی، برگزاری چنین رویدادهایی را در آینده کاری فیلم سازان جوان بسیار مؤثر دانست و گفت: من در این جشنواره با فیلم سازان بسیار مطرحی آشنا شدم و نظرات آن ها را درباره اثر خود شنیدم. اگر چنین رویدادی نبود، این فرصت را نداشتم که یک فیلم ساز پیشکسوت درباره فیلم من صحبت کند. شکل گیری این تعامل باعث می شود که از تجربیات بزرگان استفاده کنیم، تا چالش هایمان در آینده کمتر شود.

● افزایش رغبت مخاطبان به دیدن آثار طنز در سینما مهرسا مهرآفرید که با فیلمی به نام «کریه نازنین» در این رویداد حاضر شد، درباره آن گفت: من در دوره سال ۱۴۰۲ فیلم سازی انجمن سینمای جوان حضور داشتم و فیلمی که پخش شد یکی از کارهای پایان دوره من بود. موضوع این فیلم درباره شخصی است که صورت خود را به طور کلی در جنگ از دست داده است، حالا می خواهد با خانواده خود روبه رو شود و نمی داند که به آن ها بگوید فرزندشان است یا نه. این فیلم یک اقتباس از داستان کوتاه «خصلت روسی» تولستوی است، ما مثال واقعی آن را در مشهد داریم، شخصی به نام «بابا رجب» که در دوران دفاع مقدس صورت خود را از دست می دهد و با خانواده روبه رو می شود و ما از این موضوع الهام گرفته ایم.

● در مشهد فضاهای مناسب آموزشی وجود ندارد امید مهدوی یکی از فیلم سازان جوان حاضر در این رویداد نیز درباره اثر خود بیان کرد: «مگس» اولین فیلم من است که کمی حرفه ای تر ساخته شده، اما به نظرم هنوز در سطح هنرجویی محسوب می شود. ایده این کار از شانزده سالگی با من همراه بود، سال گذشته در سن نوزده سالگی تصمیم به ساخت آن گرفتم و در فضایی محدود با یک هزینه کم ایده خود را اجرایی کردم.

موضوع آن نیز درباره یک کارگردان است که اختلال اسکیزوفرنی دارد و در واقع شرایطی که برای او ایجاد می شود در فیلم می بینیم. وی افزود: فیلم برداری

این اثر یک روز به طول انجامید؛ ایده کار بسیار عجیب غریب به ذهن من رسید، من همیشه به سینما و کارگردانی علاقه مند هستم و احساس کردم یک کارگردان می تواند با یک مگس روبه رو شود و درگیری ذهنی هم داشته باشد. در این کار تصاویر حرکتی زیاد داشتم و از ویلچر استفاده کردم.

از طرفی هزینه فیلم بسیار کمتر از چیزی شد که برآورد کرده بودم و آن را با موبایل ساختم. اما هیچ کس فکر نمی کرد که با موبایل ساخته شده باشد. از آن گذشته محدودیت در بودجه و سایر موارد، اجازه نمی داد تا من سال ها بتوانم این فیلم را بسازم، این امر باعث شد تا با استفاده از موبایل و عوامل بسیار کم این کار را انجام دهم.

مهدوی بیان کرد: در مشهد مانند تهران فضاهای مناسب آموزشی وجود نداشت، تا هنرمندان و کسانی که بیشتر هم دغدغه و هم مسیر هستند در کنار یکدیگر فیلم ببینند، بسیار خوش حال هستم که دوباره مشهد در حال رقم زدن این اتفاق است. من همیشه این ذهنیت را داشتم که به تهران بروم و آنجا فیلم بسازم، اما در شهر خود ماندم تا بلکه شرایط برای ساخت یک فیلم کم هزینه تر مهیا شود.

● حمایت مالی برای ساخت فیلم در مشهد نمی شود علیرضا محمودی، مدیر تولید و بازیگر فیلم «آنا رشی» که در چند فیلم دیگر از جمله «مریم» جزو عوامل تولید بوده است، گفت: در فیلم «آنا رشی» مقداری دستمان بازتر بود، زیرا می توانستیم برای آن هزینه کنیم و از عوامل حرفه ای تر استفاده کردیم. ما مدت طولانی درگیر بیش تولید آن بودیم و کار خوبی از آب درآمد. وی افزود: در فیلم «مریم» تعداد زیادی از عوامل به صورت دوستانه حضور داشتند و احتمالاً بسیاری از کارهای حاضر در این رویداد این گونه بودند. این اتفاق بد نیست؛ اما از جایی به بعد زمانی که می خواهید فعالیت خود را به صورت حرفه ای تر انجام دهید، بودن در مشهد کار را سخت تر می کند. زیرا نیاز دارید که با ابزار بهتری کار کنید، که این ابزار در تهران در دسترس تر است. همچنین برای پیشرفت نیاز دارید تا با عوامل بهتری کار کنید، به عنوان مثال اگر یک صدا برادر یا بخواهد در مشهد رشد کند، به سراغ فرد متخصص تری در این حوزه می رود که در تهران حضور دارد، تا در کنار او فعالیت کند.

● چالش های همیشگی فیلم سازان جوان مهرداد الهی که فیلمش «دویدم و دویدم» نام دارد، نیز گفت: داستان این فیلم مربوط به پدری است، که هر روز عادت دارد برای دختر خود قصه تعریف کند. ما چرا از این قرار است که دختر او رنگ می زند و پدر در حال قصه گفتن برای او است. اواخر داستان ما متوجه می شویم پدر آتش نشان است؛ قصه قطع می شود و به سراغ کارش می رود. این فیلم توسط سلمان نظافت پزدی نوشته شده است، که با هم فکری او و در مؤسسه فرهنگی هنری شهرآر تولید شد. وی بر این باور است که فیلم کوتاه همیشه چالش های خود را دارد و در این باره بیان کرد: انتخاب بازیگر، دکوپاژ فیلم و... همه چالش های آن است، اما با وجود گروهی که در کنار من بودند، همیشه اتفاق های بد کنار می رود و باعث می شود بتوانیم فیلم خود را به مرحله خروجی برسانیم. الهی که نامزد جشنواره لیسبون پرتغال و جشنواره هند بوده و اکنون هم یکی از آثار او به نام «سکوت»، در جشنواره لاس وگاس نامزد شده است، رویدادهای این چنینی را موجب پیشرفت در عرصه فیلم کوتاه دانست و افزود: کارگردانان همه با یکدیگر تعامل دارند و می توانیم از تجربه قشر جوان تا پیشکسوت استفاده کنیم، تا در آینده بتوانیم کارهای بهتری را تولید کنیم. این رویداد فوق العاده بود و باعث شد که جدی تر به سینمای فیلم کوتاه نگاه کنیم.

گزارشی از نمایشگاه نقاشی «گونه های حیوانی، گونه های انسانی» در نگارخانه «درخت»

رقص بی پایان رنگ ها، در جست وجوی معنا

● **نقاشی به نوعی سبک زندگی است**

وی افزود: پس از کشیدن نقاشی با توجه به تصویری که هست عنوانی بداهه به ذهنم می رسد و برای آن اثر انتخاب می کنم. شعاری که در کنار آثارم قرار داده ام، توسط یکی از مترجمان زبان روسی به نام خانم رخسار شمیرانی نوشته شده، که از طریق فضای مجازی با او آشنا شدم و متن ها و شعرهای آن برایم جذاب بود، به همین دلیل از او خواستم اگر اجازه می دهد از آن ها استفاده کنم.

وی نقاشی را نوعی سبک زندگی دانست و بیان کرد: بیشتر افراد به دلیل اینکه درگیر روزمرگی های زندگی و سختی های آن می شوند، نقاشی آن ها به سمتی سوق پیدا می کند تا بتوانند به وسیله آن امرار معاش کنند. با ممکن است نقدهایی که به آثار آن ها می شود، بر رویشان تأثیر بگذارد. این هنرمند درباره وضعیت هنر نقاشی در مشهد گفت: من سعی می کنم در نمایشگاه هایی که در مشهد برگزار می شود حضور داشته باشم؛ اما تاکنون، هنوز اثری که ذهن مرا درگیر کرده باشد ندیده ام. در گذشته گاهی هنرمندان جوانی که ساختار شکن بودند، کارهای خاصی را انجام می دادند. اما اکنون مدت زیادی است که اثری ندیده ام، شاید محدودیت ها نمی گذارد یا خود هنرمندان ایده ای در این باره ندارند.

● **نمایی از مسخ شدگی انسان بر روی بوم**
اهورا نامقی، کارشناس ارشد تصویرسازی از دانشگاه هنر اصفهان، درباره نمایشگاه خود گفت: «گونه های حیوانی، گونه های انسانی»، اولین نمایشگاه من در این قالب است، که آثار خود را به صورت تابلو قرار داده ام. سایر نمایشگاه های من به صورت مفهومی بود و آثار و نقاشی بخشی از آن نمایشگاه را تشکیل می داد. این نمایشگاه برای قدردانی از یک نقاش، که در سال های گذشته بسیاری چیزها را از آموختم برگزار شده است. من یک بار بیشتر سعادت دیدن منوچهر صفرزاده را نداشتم و متأسفانه دو سال پیش از دنیارفت.

وی با اشاره به بداهه بودن آثار موجود در این نمایشگاه، بیان کرد: وقتی شروع به کار کردن می کنم، هیچ تصویری از قبل برایم مشخص نشده است. بنابراین حرکت قلم از یک گوشه شروع و کم کم طی تجربه ای که در سه دهه گذشته کسب کرده ام، به یک سری فرم ها تبدیل می شود. گاهی اوقات فرم ها انسانی است و گاهی به سمت فرم هایی می رود که از قالب انسان خارج بوده و آن ها را به سمت فرم های حیوان، که بیشتر روی چهار پا حرکت می کنند برده ام.

این فرم ها نوعی مسخ شدگی بعضی انسان ها